



بنیاد ایران‌شناسی

بسمه تعالی

شماره  
تاریخ  
پست  
۷۷/۴۰۸  
۹۰/۲/۲۵

جناب آقای عبدالله صفرزایی  
بدین وسیله گواهی می‌شود مقالات تیز، چابهار، ایرانشهر،  
سراوان و قصرقند که توسط جناب عالی نگارش یافته است.  
مورد تأیید و در مرحله چاپ قرار گرفته است.

دکتر محمدرضا نصیری  
مدیر طرح شهرهای ایرانشهر

نشانی: تهران، خیابان شیخ بهایی  
خیابان ایران‌شناسی  
صندوق پستی:

۱۴۶۶۵-۱۱۴۶

تلفن: ۸۸۰۶۶۱۴۶-۸

دورنگار: ۸۸۰۶۶۱۴۹

پست الکترونیکی:

lrfo@iranologyfo.com

## فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

عنوان و نام پدیدآور : شهرهای ایران شهر / پژوهش گروهی بنیاد ایران شناسی؛ مدیر طرح: محمدرضا نصیری؛ طرح، مقدمه، بررسی و تدوین نهایی: حسن حبیبی.

مشخصات ناشر : تهران: بنیاد ایران شناسی، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۵۷۵ ص.، ج.، مصور (رنگی)، نقشه، جدول؛ ۳۹\*۲۲ س.م.

شابک : 978-964-8776-59-1

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : ج. ۱. آبادان - ایواوغلی

موضوع : شهرها و شهرستان ها - ایران

شناسه افزوده : نصیری، محمدرضا، ۱۳۲۴ -

شناسه افزوده : حبیبی، حسین، ۱۳۱۵ -

شناسه افزوده : بنیاد ایران شناسی

رده بندی کنگره : DSR۶/۹۵:۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۹۱۵/۵۰۰۳

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۷۴۳۶۵

## عنوان کتاب:

شهرهای ایران شهر، جلد اول: آبادان - ایواوغلی  
پژوهش گروهی بنیاد ایران شناسی  
مدیر طرح: محمدرضا نصیری  
(عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور)

طرح، مقدمه، بررسی و تدوین نهایی:

حسن حبیبی

ناشر: بنیاد ایران شناسی

تهران، خیابان شیخ بهایی جنوبی، خیابان ایران شناسی

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹

شمارگان: ۱۰۰۰

## صفحه آرای و گرافیک:

صفحه آرای و گرافیک:

حمیدرضا بختیاری فرد (عضو هیئت علمی دانشگاه هنر)

لیتوگرافی و چاپ: شرکت ایرانتچاپ

صحافی: نگاه

کلید حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به بنیاد ایران شناسی است.

## فهرست نویسندگان مدخل‌های جلد اول الف

- ابراهیمی، آمنه: ایرانشهر (بخش تاریخی)  
 اسماعیلی، کمال: آرادان، آراین شهر، امیریه، ایوانکی  
 افشار، حمید: آبگرم، اوج  
 امینی‌زاده، سامان: ارداق  
 آیتی، علی: آزادشهر، آق‌فلا، اینچه‌برون  
 بحرانی پور، علی: اهواز  
 بهستان دوست، فاطمه: آبرود  
 پورصفر قصابی‌نژاد، علی: آستارا، آستانه اشرفیه، اسلام،  
 احمدسرگوراب، اطافور، امش  
 تیموریان، سهیلاالسادات: اشتهازد  
 جلالی، نادره: ابهر  
 حاجی‌زاده، فرخنده: آرزوئیه  
 حسینی، سید محمد: اسداباد  
 حسینی، علیرضا: آبعلی  
 خادم، حسین: اشکنان، اهل  
 خسرویگی، هوشنگ: آبیگ، اسفرورین، اقبالیه، الوند  
 خلیلی قاضی، محمدرضا: اختیارآباد، اسلام‌شهر، امین‌شهر،  
 انار، اندوهجرد  
 داوری اردکانی، نگار: اردکان یزد، اردکان فارس  
 دسترنچی، حکیمه: آبادان  
 دفتری، فاطمه: آرمرده، آلونی  
 رحیمی، پرویز: اصفهان  
 رزمجو، اکرم: آبش احمد، ایوان  
 رشتیانی، گودرز: ازندریان  
 رضازاده ملک، رحیم: آواجیق، اسکوه، اهر، ایلخچی (بخش  
 تاریخی)  
 رضایی، علی: ابوموسی (بخش اجتماعی)  
 روحانی شهرکی، فروغ: آباده، آباده طشک، ابرینم، ازیه،  
 افوس، اقلید، ایزدخواست، ایمان‌شهر  
 سرای لو، سمیرا: انبارالوم  
 سعیدزاده، عادل: آبی‌بیگلوه، اصلاندوز
- سلطان‌زاده، شهناز: اردبیل، ارومیه  
 شمس فلاورجانی، مریم: آیدانان، آسمان‌آباد، اردل  
 صادقی‌زاده، سارا: ارکواز  
 صادقی‌زاده، نرگس: ازگل  
 صفرزایی، عبدالله: ایرانشهر (بخش اجتماعی)  
 طالشکی، مصطفی: آشخانه، آپسک، اسدیبه، اسفراین، اسلامیه،  
 انابد  
 طوقداری، علی محمد: آستانه، آشتیان، اراک  
 عاصمی، شوبرین: افزر  
 عزیز، غلامرضا: ازنا، الشتر، الیگودرز  
 عظیم‌زاده، دلرام: آغاچاری، اروندکنار، الوان، امیدیه،  
 اندیشک، ایذه  
 علی‌اکبری، اسماعیل: ایلام  
 کاوسی، نعمت‌الله: آق‌کند  
 کنارودی، قربانعلی: امیرکلا  
 کلهر، آذر: اسفدن  
 گلهداری، مزگان: ایج  
 محمدی‌فر، یعقوب: اسلام‌آباد  
 مراد خالقی، علی: آمل، ایزدشهر  
 مقتدری، فاسمعلی: اوز  
 منصوری، محمدعلی: آلاشت، آرسنجان، استهبان  
 مهربان، حسین: آذرشهر، ادیمی، اسپکه، اشنویه، ایلخچی  
 (بخش اجتماعی، فرهنگی)، ابواغلی  
 موسوی جهرمی، یگانه: آب‌پخش، آبدان، امام‌حسن، اهرم  
 موسوی‌زادگان، مسیح: آب‌بر  
 نهگ‌اندیش، لسرین: آران و بیدگل، ابوزیدآباد، اردستان،  
 انارک  
 هوشور، زردشت: ابرقوه، احمدآباد، اشکدر  
 وثوقی، محمدباقر: ابوموسی (بخش جغرافیایی)  
 یوسفی‌فر، شهرام: اشترینان



### ■ مراکز آیینی، مساجد، امامزاده‌ها و آثار تاریخی

در ایذه امامزاده‌هایی به نام‌های عبدالله و امامزاده دیناور و امامزاده شهسوار وجود دارد و به موازات غنای تاریخی این خطه آثار باستانی متفاوتی از دوران‌های مختلف در این سرزمین به جای مانده است. از مهم‌ترین این آثار، اشکفت سلمان غاری در جلگه مالمیر است.

از دیگر آثار تاریخی برجای مانده در این منطقه، پلی است به نام «پل خره‌زاد» یا «خورزاد» یا «خرزاد» یا «جیرزاد»، نام این پل را به نام مادر اردشیر، اولین پادشاه ساسانی منسوب می‌دانند.

قلعه تل که محمد تقی خان بختیاری آن را در سر تلی در ناحیه ایذه بنا کرده است. این قلعه مرکز خان‌های چهارلنگ بختیاری بوده و چندین دژ در آن وجود دارد. در این تل چند نقش برجسته مربوط به زمان عیلامیان وجود دارد که مردم روستا هنگام کندن پی خانه‌هایشان آنها را کشف کردند.

نقش‌های برجسته کول فرح (فره) کول فره یا کول فرعون، در هفت کیلومتری شمال خاوری دشت ایذه که در دره‌ای قرار دارد. در درونگاه کول فره، شش نقش برجسته عیلامی وجود دارد که چهار نقش آن به موضوع قربانی کردن برای خدایان بستگی دارد و دو نقش دیگر مربوط به مراسم مذهبی و غیر مذهبی دیگری است.

نقش خونگ‌اژدر یا خونگ‌اژدل، در ۱۵ کیلومتری شمال شهر ایذه بر قطعه سنگ بزرگی حک شده است. بر روی آن نقش مهرداد اول یا دوم اشکانی حجاری شده است، وی بر اسبی سوار است و حلقه توانایی به همراه نامه‌ای توسط کبوتری تقدیم او می‌شود و افرادی نیز به حضورش بار یافته‌اند.

### ■ منابع

۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۵، ۲۰۵، ۲۲۲، ۲۳۴، ۲۷۹، ۳۲۸، ۳۴۱، ۳۸۳، ۴۰۱، ۴۴۲، ۴۴۵، ۴۸۴، ۷۴۹، ۸۲۲، ۸۲۵.

(۱۰۸)

ایران‌شهر



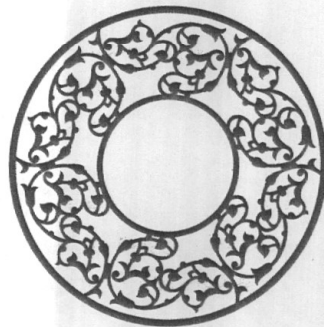
### ■ موقعیت شهر

ایران‌شهر واقع در استان سیستان و بلوچستان در بین ۶۰ درجه، ۴۱ دقیقه و ۱۷ ثانیه طول جغرافیایی و ۲۷ درجه، ۱۲ دقیقه و ۲۳ ثانیه عرض جغرافیایی و در ارتفاع ۵۶۰ متر از سطح دریا واقع است. فاصله ایران‌شهر تا مرکز استان (زاهدان) ۳۵۰ کیلومتر است.

ایران‌شهر در مرکز بلوچستان و جنوب شرق کشور واقع شده است. و از شمال به شهرستان‌های خاش و زاهدان و از سمت جنوب به شهرستان‌های سرباز و نیکشهر منتهی می‌شود. مشرق آن شهرستان سراوان و در مغرب آن استان کرمان قرار دارد. ایران‌شهر در سال ۱۳۲۹ ش، به شهر تبدیل شده است.

### ■ طبیعت

ایران‌شهر به علت نزدیکی به مدار رأس‌السرطان دارای آب و هوای گرم و خشک است. و به دلیل مجاورت آب‌های گرم و آزاد دریای عمان و اقیانوس هند گاهی اوقات هوایی شرجی دارد و از تأثیر بادهای موسمی نیز بی‌بهره نمی‌ماند. متوسط درجه حرارت در تابستان ۴۵ درجه و در زمستان به دو درجه سانتی‌گراد بالای صفر می‌رسد. یخبندان در منطقه نادر و روزهای ابری کم است. ریزش‌های جوی اغلب به صورت بارش باران و تگرگ است. بارش برف به ندرت دیده می‌شود و بیشتر نزولات آسمانی در زمستان و اوایل بهار نازل می‌شوند. در مجموع میانگین بارش



سالیانه ایران‌شهر ۱۰۵/۵ میلی‌متر می‌رسد.

ایران‌شهر در مقایسه با سایر شهرهای استان از نظر آب‌های زیرزمینی و سطحی از وضعیت مناسب‌تری برخوردار بوده و در حال حاضر، عمده‌ترین منبع تأمین آب آن رودخانه فصلی دامن و رودخانه دائمی بمپور است. طول رودخانه بمپور ۲۷۵ کیلومتر و مسیر کلی آن جنوبی، سپس غربی و میانگین آبدهی سالانه‌اش ۷۵ میلیون متر مکعب آب است. این رود از کوه تنکان واقع در دهستان کارواندر در ۵۴ کیلومتری جنوب غرب خاش و ۹۰ کیلومتری شمال ایران‌شهر طی ریزابه‌های متعددی سرچشمه می‌گیرد و به نام رودخانه کارواندر به سوی جنوب شرق روان می‌شود. سرانجام پس از مخلوط شدن با ریزابه‌های دیگری از جمله رودخانه ایرندگان وارد دهستان دامن شده، به رودخانه دامن تغییر نام می‌دهد. در ادامه به سمت جنوب جریان می‌یابد و از جنوب ایران‌شهر به سمت مغرب تغییر جهت داده، وارد جلگه بمپور می‌شود. در این منطقه با رودهای کهان و تل اراهی که از شمال و جنوب سرازیر شده‌اند در هم می‌آمیزد و در ادامه مسیروش در زمان‌های گذشته به وسیله هشت بند خاکی و چوبی - دوازده دهکده را که به طور تقریبی ۱۳۰۰ هکتار زمین زراعتی داشته‌اند، مشروب می‌ساخت. در سال ۱۳۳۴ ش، بر روی این رودخانه در مشرق شهر بمپور سدی بتنی ساخته شد که طول تاج آن هشت متر و ارتفاعش از کف پنج و نیم متر و ضخامت آن شش متر است. این سد ۳، ۵۰۰ هکتار از اراضی جلگه بمپور را به زیر کشت می‌برد. رودخانه مذکور با عبور از جلگه بمپور و پس از مخلوط شدن با ریزابه‌هایی چند از جمله رودخانه اسپیدژ وارد منطقه دلگان شده و از آنجا در شنزارهای حاشیه شمال شرق هامون جازموریان فرو می‌رود. دیگر رودخانه‌های معروف ایران‌شهر رودخانه‌های دامن، کارواندر، ایرندگان و اسپیدژ هستند که تمام این رودخانه‌ها از ریزابه‌های رودخانه بمپور هستند.

از مهم‌ترین ناهمواری‌های حاشیه‌ای ایران‌شهر می‌توان به رشته کوه دامن اشاره کرد. این رشته کوه با ارتفاع ۱، ۴۳۰ متر در دهستان دامن در ۳۰ کیلومتری شمال شرقی ایران‌شهر واقع شده است.

جلگه‌های ایران‌شهر، بمپور و چاه هاشم که به هامون جازموریان منتهی می‌شوند در محدوده سرزمینی ایران‌شهر قرار دارند. هامون جازموریان که در محدوده مرزی ایران‌شهر و استان کرمان قرار دارد سرزمین پستی است در امتداد بستر هلیل‌رود و مغرب بستر رودخانه بمپور که در اوقات عادی باتلاقی و هنگام طغیان آب‌ها بر وسعتش افزوده می‌شود، به طوری که عبور از آن

ممکن نیست. در قسمت‌های عمیق این دریاچه فصلی در فصول بارانی آب مشاهده می‌شود که بر خلاف بسیاری از باتلاق‌ها و دریاچه‌های داخلی ایران، آب آن شیرین است. در سایر مواقع به شکل مرداب و باتلاق درآمده و مراتع و بوته‌زارهای اطرافش برای چرای دام‌ها بسیار مناسب است.

نظر به اینکه شهر ایران‌شهر مناطق کوهستانی، نیمه کوهستانی، دشت و زمین‌های جلگه‌ای دارد پوشش گیاهی گوناگونی در آن به وجود آمده است. مهم‌ترین گونه‌های جنگلی آن داز، کهور، کلیر، چگرد، چش و کنار است. همچنین گیاهانی مانند مشکک، ریش بز، سراب، بنگ دانه، گون، درمنه، حنا، بارسنگ، پوته، اسپند و غیره با مصارف دارویی در این منطقه می‌روید. باتوجه به شرایط طبیعی، ایران‌شهر از نظر موقعیت نسبی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر آن، قرار گرفتن ایران‌شهر در مرکز بلوچستان موقعیت حساس و پراهمیت این منطقه را دوچندان کرده است.

### ■ تاریخ کهن شهر

در متون کهن، ایران‌شهر پهره، پهل، پهرگ و غیره نام داشته است. در منابع یونانی تحت عنوان پورا از آن یاد شده است. اغلب مورخان عرب این ناحیه را فهرج نامیده‌اند، و از قلعه بمپور که در ۲۴ کیلومتری غرب ایران‌شهر قرار دارد با عنوان فلفره، بهلمیره، بربرو به معنای کنار فهره یا بهره یاد کرده‌اند. در تاریخ‌های فارسی با نام فهرج آمده است. اهالی منطقه با عنوان پهره از آن یاد می‌کنند. معانی گوناگونی برای این واژه از جمله؛ نگهبان، دیده‌بان، مرد تنها، ساخلوی سربازان، شهر بزرگ و غیره آمده است. از این معانی چنین استنباط می‌شود که چون پهره در مرکز بلوچستان واقع شده و از نظر راهبردی (استراتژیک) موقعیت نظامی خاصی داشته، شایستگی حفاظت و پاسداری منطقه بکران (بلوچستان) را از قدیم داشته، نام این شهر در سال ۱۳۱۵ ش در زمان رضاخان از فهرج یا پهره به ایران‌شهر تبدیل شد.

از لحاظ سیاسی، ایران‌شهر از وسیع‌ترین و مهم‌ترین شهرهای بلوچستان به‌شمار می‌رود و در زمان‌های گذشته نیز مرکز بلوچستان بوده است. ایالت گدروزبای باستان که یونانیان به کرات از آن یاد کرده‌اند با جلگه ایران‌شهر مطابقت دارد و شهر پورا، پهره (ایران‌شهر کنونی) مرکز ایالت گدروزبای به‌شمار می‌رفت. اسکندر و همراهان سختی کشیده‌اش در بازگشت از هند از مسیر بلوچستان امروزی هنگامی که به جلگه حاصلخیز گدروزبای و شهر پورا رسیدند برای تجدید قوا مدتی توقف کردند. «در آنجا همه چیز به حد وفور بود و شاهان و حکمرانان و





شاهزادگان از همه نوع کمک و مساعدت در تهیه خوراک دریغ نداشتند.» برخلاف سختی‌ها و تهدیدات شدیدی که در راه بازگشت از هند متوجه اسکندر شده بود، وی در این ناحیه حتی به جابه‌جایی حاکمان و والیان شرقی فتوحات خویش نیز پرداخت. به نظر می‌رسد به تدریج از اواخر دوره باستان، مرکزیت سیاسی این بخش از بلوچستان به قلعه بمپور در حدود ۲۴ کیلومتری غرب ایرانشهر انتقال یافته است. از اوایل دوران اسلامی تا دوران حکومت قاجار قلعه بمپور از لحاظ سیاسی و اداری شهرت بسزایی داشته است. با توجه به نزدیکی آن به ایرانشهر در تمام این دوران، ایرانشهر در حاشیه بمپور قرار گرفته و در منابع نامی از آن برده نمی‌شود. با ورود اسلام به ایران و مکران، این منطقه نیز به تصرف سپاهیان مسلمان درآمد. حملاتی که سلطان محمود غزنوی و عضالدوله دیلمی به مکران و بلوچستان داشته‌اند تأثیرات سیاسی مؤثری بر این ناحیه داشته است. در دوران‌هایی که سلجوقیان و قراختاییان بر کرمان حکومت می‌کردند بر نواحی ایرانشهر و بمپور نیز تسلط سیاسی داشته‌اند، چنان‌که شجاع‌الدین ملک زوزن در زمان قطب الدین محمد خوارزمشاه به حکمرانی کرمان درآمد و بلوچستان را تسخیر کرد. از زمان شاه عباس به بعد صفویان، بلوچستان را از طریق بم به مرکزیت بمپور اداره می‌کردند. پس از سقوط صفویه نه تنها بمپور و ایرانشهر به تصرف سپاهیان نادر درآمد بلکه تمام مناطق بلوچستان از لحاظ سیاسی یکدست شد. بعد از مرگ نادر، نصیرخان حاکم کلات (در بلوچستان شرقی) قرار دارد و در زمان مورد بحث به مرکزیت بلوچستان بزرگ درآمد (بود) قدرتی به هم رساند و سلطه‌اش تا بمپور توسعه یافت. با مرگ نصیرخان در سال ۱۲۰۹ق، حکومت بلوچستان دوباره خان خانی شد. پاتینجر که در سال ۱۸۱۰ میلادی سفری به بلوچستان برای شناخت آن حدود انجام داد، از پهره (ایرانشهر) و حاکم آن که شخصی به نام مهربان خان بود، یاد کرده است. وی نقل می‌کند، شاه مهربان خان حاکم ایرانشهر پر قدرت‌ترین رئیس در این حوالی از دزک تا بزمان است. قشون دائمی او و افرادی که در مواقع ضروری فرا می‌خواند ۶۰۰ نفرند. شاه مهربان خان به او گفته بود که از جانب حکومت کابل و ایران باغی شناخته شده است. پاتینجر در سفرنامه‌اش اذعان می‌دارد که حاکمان فهرج و بمپور با حکومت مرکزی و نمایندگان آنان در کرمان هیچ رابطه‌ای ندارند. وی در توصیف شهر در حین سفرش آورده است که «فهرج شهری کوچک ولی بسیار خوب ساخته شده است. ۴۰۰ خانه دارد که در میان نخل‌ها پراکنده شده‌اند.» با روی کار آمدن قاجارها در ایران،

از سال ۱۳۱۹ق، در زمان پادشاهی فتحعلی شاه حملاتی به بلوچستان آغاز شد. از این دوره به بعد درگیری‌های پیچیده و مثلی‌شکلی در بمپور و ایرانشهر روایت شده که سه رأس آن را حاکمان محلی، نیروهای دولتی حکومت قاجار و نیروها و نزدیکان آقاخان محلاتی شورشی معروف دوره قاجاریه تشکیل می‌دادند. شدت تهاجمات و گرفتن اسرا و غنایم توسط حکومت قاجارها در این دوره به حدی بوده که در اذهان اهالی محل تنفر شدیدی از قاجارها به وجود آمد، به قسمی که امروزه نیز اشخاص یا گروه‌های منفورشان را قجر (قاجار) می‌نامند. در زمان پادشاهی ناصرالدین شاه‌فیروز میرزا فرمانفرما حاکم کرمان و بلوچستان در سال ۱۲۹۷ق، سفری به بلوچستان انجام داد. وی وضعیت قلعه بمپور را نامناسب دانسته و گفته بود که هرچه در این قلعه خرج شود بی‌فایده است، زیرا خاک این قلعه بسیار سست است و به یکدیگر نمی‌چسبد. همچنین آب و هوای بمپور را نامناسب دانسته و پهره یا فهرج را جای مناسب‌تری برای مرکزیت بلوچستان به شاه پیشنهاد کرد. پیشنهاد وی پذیرفته شد و سرانجام ساخت قلعه جدید فهرج به نام قلعه ناصری در سال ۱۳۰۱ق، به‌دستور عبدالحمید میرزا ناصر الدوله فرزند فیروز میرزا فرمانفرما در دستور کار قرار گرفت. این قلعه به مدت هفت سال به‌وسیله استاد حسین معمارباشی کرمانی ساخته می‌شود و از آن پس فهرج (ایرانشهر) مرکز بلوچستان انتخاب می‌شود. پس از دوران ناصرالدین شاه و هرج و مرجی که حکومت مرکزی ایران با آن مواجه شد، بلوچستان تا سال ۱۳۰۷ش، میدان تاخت و تاز طوایف داخلی و تجاوزات سیاسی و نظامی بیگانگان واقع شد. به دنبال آن امیر دوست محمد خان بارکزیایی از طرف دولت مرکزی، حکومت آن، سامان را به مرکزیت قلعه ناصری در ایرانشهر بر عهده گرفت. وی چون آثاری از نفوذ و اقتدار دولت مشاهده نکرد خود را حاکم مطلق‌العنان قلمداد کرده برای تکمیل استقلال و نفوذ خویش تمام رؤسا و خوانین مخالف را رفته‌رفته مطیع یا معدوم کرد و قسمت عمده‌ای از بلوچستان را تحت نفوذ خویش درآورد. وی چنان شهرتی کسب کرده بود که قلعه ناصری ایرانشهر را قلعه دوست محمد خان نیز می‌نامند. سرانجام در زمان رضاخان در سال ۱۳۰۷ش، طی عملیاتی، لشکر قشون شرق به فرماندهی سپهبد امان‌اله جهانیانی با جریان مفصلی که شش ماه به طول انجامید دوست محمد خان را شکست داده و پس از تسلیم شدن به تهران تبعید شد. از این تاریخ به بعد برای همیشه بلوچستان زیر سیطره حکومت مرکزی قرار گرفت. از سال ۱۳۰۷ تا سال ۱۳۱۶ش، سیستان و بلوچستان

سال ۱۳۸۳ ش هنوز ادامه دارد.

### ■ مسائل مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی

جدول زیر میزان رشد جمعیت ایران‌شهر را در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ ش نشان می‌دهد:

سال	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت به نفر	۴۰۰۲۷	۷۶۹۵۹	۹۹۴۹۶



نمایی از یک باغ، ایران‌شهر

درصد بسیار بالایی از ساکنان ایران‌شهر بلوچ هستند که بافت اجتماعی آنان به صورت ایلی و طایفه‌ای است. در سال‌های اخیر با توجه به رشد زندگی شهری و توسعه و گسترده‌گی ادارات و مراکز دولتی، صنعتی و غیره مهاجرت‌هایی از سیستان، خراسان، کرمان و دیگر نقاط کشور به این منطقه صورت گرفته است. بنابراین امروزه اقلیت‌های چشمگیری از افراد غیر بلوچ در این منطقه قابل مشاهده هستند. عمده ساکنان این سرزمین از لحاظ مذهبی سنی حنفی هستند. جمعیت شیعیان دوازده امامی نیز در این شهر و بخش‌های تابعه آن خصوصاً بزمان و دلگان به چشم می‌خورد. جمعیت ایران‌شهر در ۵۰ سال اخیر رشد بسیار چشمگیر و سریعی داشته است. عواملی مانند مهاجرت‌پذیری و خدمات گسترده بهداشت و درمان و غیره در رشد سریع جمعیت آن نقش‌آفرین بوده‌اند. مسائلی مانند رشد امکانات شهری، خشک‌سالی‌های شدید در مناطق هم‌جوار و تنش‌های سیاسی در کشورهای همسایه از جمله افغانستان و پاکستان باعث مهاجرت‌پذیری چشمگیر ایران‌شهر شده است. ساکنان ایران‌شهر همانند سایر بلوچ‌ها مردمی آزاده، میهمان‌نواز، دیندار، راستگو، سخت‌کوش، رشید، جنگجو و متعهد هستند. وفای به عهد و قول و قرار نماد زندگی آنان است. سادگی و یکرنگی در گفتار، کردار و پندار آنان نمایان است. زندگی در شرایط سخت طبیعی در زیر گرمای سوزان آنان را مردمانی صبور، بردبار و مقاوم ساخته است. روند زندگی اجتماعی طبقاتی در زمان‌های گذشته در این منطقه معمول بوده و حتی نظام برده‌داری نیز رواج داشته است. اگرچه امروزه چنین پدیده‌هایی در این منطقه نفی می‌شوند، اما هنوز ریشه‌کن نشده‌اند و تبعیضات حقوقی، اجتماعی و غیره در سطوح مختلف جامعه به‌خصوص مناطق روستایی مشاهده می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی، اقشار مختلف ایران‌شهر و مناطق تابعه آن را می‌توان در چهار طبقه اجتماعی جای داد. این طبقه‌بندی که اصلی موروثی و حرفه‌ای دارد شامل چهار گروه حاکمات، بلوچ، شهری و غلام است. تأویل ساده این واژه‌ها به ترتیب اشراف، چادرنشینان، کشاورزان و بردگان است.

به یک حکومت‌نشین مرکزی و پنج حکومت‌نشین تابعه که ایران‌شهر یکی از آنان بود، تقسیم شد. در سال ۱۳۱۶ ش، دو فرمانداری در استان به وجود آمد یکی در سیستان و دیگری در بلوچستان به مرکزیت خاش که ایران‌شهر یکی از بخش‌های هشت‌گانه آن به حساب می‌آمد. این تقسیمات در سراسر کشور مناقشاتی به‌وجود آورد. لذا در سال ۱۳۱۸ ش، هیئتی به ریاست تیمسار البرز جهت تجدید نظر در سازمان تقسیمات کشوری مکران به منطقه اعزام شد. هیئت مزبور نظر داد فرمانداری بلوچستان به دو قسمت تقسیم شود، یکی فرمانداری خاش و دیگری فرمانداری ایران‌شهر، شامل ایران‌شهر، بزمان، نیکشهر، جامپ، قصر قند، بنت، فنوج، چابهار و دشتیاری. در سال ۱۳۱۹ ش، فرمانداری کل سیستان و بلوچستان به مرکزیت زاهدان تشکیل شد. در سال ۱۳۲۶ ش، چهار شهرستان در بلوچستان با عنوان‌های زاهدان، چابهار، سراوان و ایران‌شهر که شامل بخش‌های مرکزی، سرباز، راسک، بمپور و بزمان بود، تأسیس شد.

از آنجایی که تاریخ مکتوب مفصلی از ایران‌شهر و حتی تمامی بلوچستان باقی‌نمانده از بلایا و حوادث طبیعی گذشته آن اطلاعاتی در دست نیست. البته بیماری‌های کشنده‌ای مانند مالاریا، باران‌های سیل‌آسا، خشک‌سالی‌ها و مسائلی از این قبیل معمولاً باعث به زحمت افتادن اهالی منطقه می‌شده‌اند. گذشته از سیلاب‌های معمولی همیشگی، طبق اسناد سازمان اسناد ملی استان، سیلاب‌های بسیار شدیدی در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۵۷، ۱۳۵۹ ش، در ایران‌شهر و بخش‌های تابعه آن به وقوع پیوسته است که باعث تخریب بسیار شدیدی در محصولات کشاورزی، نخلستان‌ها، قنات‌ها، پل‌ها و خانه‌ها شده است. خشک‌سالی فراگیر و عمومی که از سال ۱۳۷۷ ش تمامی منطقه را دربر گرفته با اندک نزولاتی در سه ماهه آخر

حاکم تلفظ بلوچی حاکم است و شامل خانواده‌های گسترده سردارهایی هستند که در گذشته می‌توانستند رابطه مستقیمی با والی بمپور ایجاد کنند یا آن مقام را به دست آورند. بلوچ‌ها چادرنشینان یا اخلاف ایل‌های چادرنشین و احتمالاً بلوچ‌های اصلی هستند که گمان می‌رود نام بلوچ و زبان بلوچی را به بلوچستان آورده باشند. در این طبقه تمایزات ثانوی نیز بر مبنای ایل (زات) وجود دارد. مشهورترین این گروه از ایلات که در محدوده ایران‌شهر بیلاق و قشلاق می‌کنند عبارت‌اند از: بامری، نارویی، عبداللهی، بلوچ توتان، سرکوهی، لاشاری، بلوچی، حَملی (هملی)، دامنی، درزاده، زین‌الدینی، سابکی، سردارزهی، شُلی بر، صلاح زهی و فولادی.

پوشاک مردم این ناحیه متناسب با اقلیم آن است. عموماً لباس مردان شامل یک پیراهن بلند و شلوار گشاد پرچین است که به لباس بلوچی شهرت دارد. افراد مسن علاوه بر آن دستاری نیز بر سر می‌بندند. رنگ لباس‌های افراد طبقات پایین جامعه قرمز، زرد، تند و زننده است. طوایف دیگر لباس‌هایی با رنگ‌های روشن سفید، کرمی و طوسی می‌پوشند. پوشاک زنان تقریباً مشابه مردان است با این تفاوت که تزئینات فراوانی در آن مشاهده می‌شود. سراستین‌ها، قسمت جلوی پیراهن، جیب پیراهن و قسمت پایین شلوار با نقش‌های بومی و محلی رنگارنگ، سوزن‌دوزی یا گلدوزی می‌شوند.

ساکنان این ناحیه خصوصاً مناطق روستایی و عشایری در زندگی اجتماعی خود روابط تنگاتنگ و نزدیکی دارند. در بسیاری از امور مانند ساختن مسجد، مدرسه، خانه و غیره از روی خلوص نیت و بدون هیچ گونه چشم‌داشتی با یکدیگر همکاری می‌کنند. قول و قرار در زندگی آنان اهمیّت فراوانی دارد. ضرب المثل محلی «سر برود قول نرود» ضرورت پای‌بندی به وفای عهد را در میان افراد این منطقه آشکار می‌سازد. سوگند خوردن یکی دیگر از مسائل مهم شخصی و اجتماعی این قوم به حساب می‌آید. یکی از سوگندهای شایع در بین مردم «سوگند زن طلاقی» است. امانت‌داری در میان اینان به وفور مشاهده می‌شود. گرایش به تقدیر و جبرگرایی خصوصاً در بین افراد روستایی و بزرگسال زیاد به چشم می‌خورد. در مواقع ضروری اگر کسی به قومی یا جمعیتی پناهنده شود به شدت از او حمایت می‌کنند. در اصطلاح محلی به این رویکرد «میار جَل» می‌گویند. جنگ و جدال و برخوردهای مردم این منطقه اغلب تبدیل به جنگ‌های طایفه‌ای می‌شود. در این صورت اگر قتل و جنایتی رخ دهد می‌توانند بر هریک از افراد طایفه فرد خطاکار خصوصاً نزدیکان او عمل قصاص را انجام دهند. البته

بلافاصله بعد از زد و خوردها بزرگان طوایف، رهبران مذهبی و ریش‌سفیدان، افراد دو گروه مخالف را وادار به صلح می‌کنند. مراسم صلح اغلب در مساجد و بعضی اوقات در منزل یکی از بزرگان طایفه بی‌گناه برگزار می‌شود. در بعضی مواقع قاتل، محموله‌ای شامل شمشیر یا تفنگ، کفن و کلام‌الله مجید برداشته یکه و تنها به خانه وارث مقتول می‌رود. اسلحه و کفن نشانه آن است که عمل قصاص را به آسانی انجام دهند و یا اینکه به خاطر قرآن و تسلیم داوطلبانه قاتل، او را مورد عفو قرار دهند. این عملکرد در اصطلاح محلی «زحم و کُپن» نام دارد و در اکثر موارد فرد خطاکار مورد بخشش قرار می‌گیرد. علی‌رغم طبیعت خشن منطقه، مهمان‌داری و مردم‌دوستی ساکنان ایران‌شهر قابل تحسین است. بهترین لحظات زندگی آنان هنگامی است که مهمان دارند.

پزشکی عامیانه در میان اینان رواج دارد. هم طبابت داروهای گیاهی و به تن کردن پوست حیوانات و در موارد نادر داغ کردن معمول است و هم مراجعه به مَلاَها و خواندن اوراد و گرفتن تعویذ مرسوم است. اغلب بیماران اعصاب و روان به این شیوه طبابت روی می‌آورند.

آداب و رسوم مردم این منطقه در بعضی موارد مانند مراسم تولد، ازدواج، تعزیت، مراسم و اعیاد مذهبی نمود بیشتری دارد. در هنگام تولد نوزاد، علاوه بر اینکه در گوش او اذان می‌دهند، مراسم جانبی دیگری نیز به منظور حفاظت نوزاد و مادرش از جن‌ها و عفريت‌ها انجام می‌شود. تا شش شب اقوام و نزدیکان خانواده صاحب نوزاد در خانه او جمع می‌شوند و شادی می‌کنند. آنگاه گوسفند یا بزی قربانی کرده و در شب ششم شامی تدارک می‌بینند. یکی از مراسم جالب توجه که در گذشته انجام می‌گرفته نافرین نوزادان با اهداف خاصی بوده و در واقع نوعی خواستگاری پذیرفته شده، محسوب می‌شده. معمولاً در مواردی که نوزاد دختری بوده، او را به اسم یکی از نوزادان پسر ناف می‌بریدند و اینان پس از بزرگ شدن با هم ازدواج می‌کردند. مراسم ازدواج امروزه تشریفات گذشته را ندارد. از یک سو روی آوردن به زندگی شهری و صرفه‌جویی در مسائل اقتصادی و از سوی دیگر تبلیغات گروه‌های مذهبی باعث ساده شدن مراسم ازدواج شده است. در زمان‌های گذشته ازدواج در سنین پایین انجام می‌گرفت. مراسم خواستگاری و مراسم مقدماتی عروسی از چند شبانه‌روز قبل از مراسم اصلی به تفصیل برگزار می‌شد. دختر و پسر در انتخاب همسر کمتر نقش داشتند و معمولاً رضایت والدین برتری داشت. تعاون و همکاری فراوانی از طرف اقوام، آشنایان و دعوت‌شدگان به



در ایران‌شهر و سایر مناطق بلوچستان دستان هنرمند زنان و مردان بلوچ دست‌ساخته‌ها و دست‌بافته‌های زیبایی را خلق می‌کند که هم جهت استفاده داخلی و هم به نقاط دیگر صادر می‌شود. سوزن‌دوزی، سکه‌دوزی، بلوچی‌دوزی، گلیم، حصیر، سبد، زیور آلات سنتی البسه محلی و سفال‌گری مشهورترین صنایع دستی این منطقه هستند. سوزن‌دوزی از شاخص‌ترین هنرهای مردم این خطه محسوب می‌شود. این هنر از هنرهای با سابقه و اصیل منطقه است که زنان بلوچ با سوزن و نخ‌های رنگین بر روی تکه‌های پارچه نقش آفرینی‌های زیبایی از خود بر جای می‌گذارند.

حصیریافی نیز از هنرهای دستی مطرح ایران‌شهر محسوب می‌شود. مواد اولیه حصیر از نوعی درخت خرما و وحشی به نام داز که در بستر رودخانه‌ها می‌روید، تهیه می‌شود. از محصولات عمده آن می‌توان به زیرانداز، سجاده، پرده، سبد، خورجین و غیره اشاره کرد. علاوه بر اینها سفال‌گری نیز در این منطقه سابقه‌ای کهن دارد. از مهم‌ترین مناطق باستانی متعلق به هزاره‌های چهارم و سوم قبل از میلاد در حوالی شهر ایران‌شهر که در آنها بقایای ریز سفالی با اشکال گوناگون وجود دارد، می‌توان به تپه‌های قدیمی بمپور، چاه حسینی، خوراب، دامن، اسپیدژ، چگرد و غیره اشاره کرد. نقش مایه عمده این سفال‌ها از نقوش گیاهان و جانوران بومی همچون نقوش نخل خرما، عقرب، انواع پرندگان و غیره است.

#### ■ تعلیم و تربیت و فرهنگ

اولین مکتب یا مدرسه دینی در بلوچستان در زمان بهرام خان بارکزی در ایران‌شهر دایر شده است. بعضی از علمای بزرگ بلوچستان مانند قاضی عبدالصمد سربازی و مولانا عبدالغفور دامنی تحصیلات مقدماتی را در این مکتب فرا گرفته‌اند. در سال ۱۳۵۲ ش، دارالعلوم حقانیه توسط مولانا عبدالصمد دامنی در روستای خیرآباد بمپور تأسیس شد. در سال ۱۳۶۲ ش، به پیشنهاد مردم ایران‌شهر و جمعی از علما این حوزه به ایران‌شهر منتقل شد. این حوزه از مدارس دینی مهم استان به‌شمار می‌آید و در شاخه‌های حفظ قرآن، تفسیر، حدیث، فقه، تاریخ سیرت، معانی و کلام، علم لغت، صرف و نحو و فلسفه و منطق به تربیت شیفتگان علم و معرفت می‌پردازد. حوزه‌های علمی بلوچستان، شبانه‌روزی هستند و با کمک‌های مردمی نگهداری و اداره می‌شوند. اولین کتابخانه عمومی ایران‌شهر که هشتمین کتابخانه استان بوده در سال ۱۳۵۵ ش با یک هزار جلد کتاب در سالن نمایندگی فرهنگ و ارشاد ایران‌شهر مورد بهره‌برداری قرار گرفت. امروزه این کتابخانه با

مراسم عروسی به صاحب مراسم انجام می‌گرفت که در اصطلاح محلی به آن «بِجَار» گفته می‌شود.

مراسم تعزیت را مردم محل «پُرسان» می‌گویند. در این مراسم معمولاً افراد با لباس‌های عادی حاضر می‌شوند. مردان لباس معمولی‌شان را که اغلب به رنگ‌های سفید و روشن است، می‌پوشند و زنان البته لباس‌های فاخر خودشان را کنار نهاده و با لباس‌های ساده یا مشکی در این مراسم شرکت می‌کنند. برای میت معمولاً مراسم شب اول، روز سوم، چهارده، چهل و سال می‌گیرند. سنگ قبر نه تنها در ایران‌شهر بلکه در کل بلوچستان مرسوم نیست و در قبرستان‌ها به جز پشته‌های خاک بناهای دیگری مشاهده نمی‌شود. با شکوه‌ترین مراسم مذهبی‌شان نمازهای تراویح ماه رمضان، عید فطر و عید قربان است. عید فطر و عید قربان را به مدت سه روز جشن می‌گیرند. لباس‌های نو می‌پوشند و به دیدن دوستان و آشنایان خود می‌روند. از یکدیگر حلالت می‌خواهند، کینه‌ها و کدورت‌ها را کنار می‌گذارند و اغلب اتفاق می‌افتد که در این اعیاد، دشمنی‌های بزرگ و دیرینه منجر به صلح می‌شود.

#### ■ اقتصاد و مشاغل

عمده‌ترین شیوه‌های معیشتی مردمان ایران‌شهر کشاورزی، دامداری، تجارت، صیادی و صنایع دستی است. جلگه‌های ایران‌شهر و بمپور از زمان‌های قدیم در زمینه آب رودخانه، قنات و زمین زراعتی غنی بوده‌اند. بنابراین از لحاظ فعالیت‌ها، مشاغل و محصولات کشاورزی در منطقه بلوچستان در ردیف اول قرار داشته‌اند، به نوعی که علاوه بر تأمین احتیاجات سکنه محلی همه ساله محصولات کشاورزی مازادی به مناطق هم‌جوار صادر می‌شود. محصولات کشاورزی مهم ایران‌شهر خرما، گندم، جو، برنج، ذرت، هندوانه، خیار، گوجه فرنگی، انواع مرکبات مانند انار، انگور، پرتغال و غیره هستند. از این میان خرما در این منطقه از اهمیت بسزایی برخوردار است و مهم‌ترین محصول صادراتی کشاورزی ایران‌شهر محسوب می‌شود. از دیگر مشاغل عمده ساکنان ایران‌شهر بعد از کشاورزی باید از دامداری نام برد. درصد بالایی از ساکنان مناطق روستایی و غیر شهری ایران‌شهر را عشایر بلوچ تشکیل می‌دهند. اینان در سیاه‌چادرها و کپرهایی که از شاخ و برگ درخت خرما و داز (نوعی نخل وحشی) ساخته شده، زندگی می‌کنند. عمده‌ترین فعالیت‌های معیشتی این خانوارها نگهداری دام خصوصاً بز است. در زمینه صنعت و فعالیت‌های صنعتی در این شهر کارگاه‌های صنعتی به فعالیت مشغول هستند و کارخانه‌های مهم این شهر عبارت‌اند از: کارخانه ریستدگی و بافندگی شرکت بافت بلوچ و نیروگاه بخار ایران‌شهر.

امکانات بسیار بیشتری خدمات ارزنده‌ای به مشتاقان علم و تحقیق انجام می‌دهد. کتابخانه ملی پارک فجر ایران‌شهر، یکی دیگر از کتابخانه‌های این شهر است.

نماینده‌ی روزنامه پرچم/سلام و کیهان در سال ۱۳۲۵ش در ایران‌شهر تأسیس شده است. هم‌اکنون دفتر «شورای شرق» در خیابان طالقانی ایران‌شهر نمایندگی پخش مطبوعات محلی استان را بر عهده دارد. لازم به ذکر است که این مطبوعات اکثراً در زاهدان به انتشار می‌رسد.

موزه ایران‌شهر در قلعه تاریخی آن و در خیابان فارابی قرار دارد. این موزه محلی مجموعه‌ای از آثار فرهنگی ایران‌شهر را در خود جای داده است. ظروف سفالی، فلزی، مفرغی و منبت‌کاری از جمله این آثار است.

مراکز دانشگاهی ایران‌شهر عبارت است از: مجتمع آموزش عالی ایران‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، دانشکده پرستاری و مامایی و دانشگاه پیام نور که همه این مراکز از سال ۱۳۷۱ ش، به بعد تأسیس شده‌اند.

### ■ بهداشت و درمان

ایران‌شهر با توجه به آمار جمعیتی شهر، از امکانات درمانی و خدمات پزشکی مطلوبی برخوردار نیست.

### ■ ارتباطات

به ظاهر، وجود رشته‌کوه‌های بلند و بیابان‌ها و صحراهای وسیع در اطراف ایران‌شهر و گرمای طاقت‌فرسای منطقه چنین می‌نماید که این منطقه نمی‌تواند در مسیر راه‌های مواصلاتی مهم قرار گیرد. اما بررسی تاریخ گذشته بیانگر آن است که از زمان‌های بسیار گذشته نه تنها مرکز ارتباطی سایر بلاد بلوچستان با یکدیگر بوده، بلکه حلقه اتصال تمدن‌ها و حکومت‌های گذشته ایرانی با هندوستان نیز بوده است. و به‌نوشته پلوتارک، اسکندر مقدونی پس از مراجعت از هند در مرکز گذروزیای باستانی یعنی پورا اردو زده و به تجدید قوایش پرداخت. طبق گزارش ابن خردادبه در قرن سوم هجری راهی که از فهرج کرمان به سند منتهی می‌شد از مسیر ایران‌شهر کنونی عبور می‌کرد. مارکوارت نیز چکیده گزارش‌های جغرافی‌نویسان مسلمان را این‌گونه بیان می‌کند: «سفر از جیرفت به سند از طریق... و یا به «البل والقهزج» (بل پهرنگ) است که اهالی بومی آن را پهره (ایران‌شهر امروزی) می‌نامند.» امروزه نیز راه‌های زمینی مهمی ایران‌شهر را به سراوان در مشرق، راسک و چابهار در جنوب، خاش و زاهدان در شمال و بم در شمال‌غربی متصل می‌سازد. علاوه بر اینها جاده گدردی (ترانزیتی) چابهار به میلک (در شهرستان زابل) که کشور افغانستان را به آب‌های آزاد

دریای عمان وصل می‌کند از ایران‌شهر عبور می‌کند.

### ■ مراکز آیینی، مساجد، امامزاده‌ها و آثار تاریخی

در حال حاضر، در ایران‌شهر مساجدی با طرح‌های معماری متنوعی وجود دارد که اغلب آنها از سبک معماری شبه قاره هند اقتباس شده است. مسجد نور که در حال حاضر مسجد جامع ایران‌شهر است، در نوع خود بی‌نظیر است.

قلعه دوست محمد خان (ناصری) از مهم‌ترین آثار بر جای مانده در ایران‌شهر به حساب می‌آید. تا قبل از بنای قلعه ناصری در ایران‌شهر این قلعه، مرکز اداری، سیاسی و نظامی بلوچستان بوده است. پس از مسافرت فیروز میرزا فرمانفرما به بلوچستان در سال ۱۲۹۷ق، پیشنهاد ساخت قلعه‌ای بزرگ در پهره (ایران‌شهر) جهت پیشبرد اهداف سیاسی، نظامی و اداری دولت مرکزی ایران مطرح می‌شود. ناصرالدین شاه قاجار با این پیشنهاد موافقت می‌کند و از سال ۱۳۰۱ق، کار ساخت قلعه به دست استاد حسین معمار باشی کرمانی شروع شده و پس از هفت سال به پایان می‌رسد. از آن پس ایران‌شهر در تمام بلوچستان مرکزیت می‌یابد و قلعه بمپور و شهر بمپور در حاشیه آن قرار می‌گیرند. این قلعه که امروزه در وسط شهر ایران‌شهر قرار دارد از زمان حکمرانی امیر دوست محمد خان بارکزیایی به قلعه دوست محمد خان شهرت یافته است.

رودخانه زیبای دامن، قلعه ناصری، قلعه بمپور، موزه ایران‌شهر، درمانگاه قدیمی ایران‌شهر، قلعه بزمان و ساختمان بیت مقام معظم رهبری، قلعه رفقدان، قلعه گوران، تپه‌های حومه بزمان و تپه‌های حومه شهر دراز، قلعه ایران‌شهر هر کدام با قدمتی دویست ساله از مکان‌های دیدنی ایران‌شهر است. ساخت این قلعه در سال ۱۲۶۴ق به فرمان ناصرالدین شاه و به پیشنهاد ناصرالدوله فرمانفرما آغاز شد و فردی به نام حسین معمار باشی کرمانی طی هفت سال به ساختن آن پرداخت. این قلعه در ابتدا به نام قلعه ناصریه موسوم شد و پس از آن مرکز حکمرانی بلوچستان از بمپور به فهرج (ایران‌شهر) منتقل و این قلعه به عنوان پایگاه نظامی حکمران شناخته شد. در زمان حاکمیت دوست محمد خان بارکزیایی قلعه ایران‌شهر به قلعه دوست محمد خان تغییر نام یافت و سپس با استقرار نیروهای دولت ایران قلعه ایران‌شهر خوانده شد. مساحت آن ۳۴۲۲۵ متر مربع است و از نظر معماری حصار و فضای داخلی قابل توجه است که از نقاط دیدنی پرآوازه ایران‌شهر است.

ساختمان بیت مقام معظم رهبری در خیابان ولایت واقع شده و متعلق به آقای پرویز فاضلی بوده است که در زمان رژیم ستم‌شاهی، رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای دوران



## ایزدخواست

(۱۰۹)  
ایزدخواست



قلعه دوست محمدخان، ایرانشهر

تبعید را در آنجا سپری کردند. این مکان در سال ۱۳۷۰ش از سوی صاحب آن به عنوان یادبوی از اقامت رهبر انقلاب اسلامی به سازمان میراث فرهنگی اهدا شده است و همین ملک در سال ۱۳۷۳ش از سوی میراث فرهنگی در اختیار سازمان تبلیغات اسلامی قرار گرفت.

مقبره سید مهدی، واقع در خیابان فردوسی ایرانشهر، زیارت پیر شوران، قدمگاه حضرت علی و قبرستان‌هایی چند، از جمله مراکز زیارتی ایرانشهر هستند.

### ■ دانشمندان، شاعران و نام‌آوران

ادبیات این منطقه در گذشته بیشتر شفاهی بوده است. غالب اشعار سروده‌شده در گذشته و حال به دو زبان فارسی و بلوچی سروده شده‌اند. نخستین اشعار باقی‌مانده که هنوز نه تنها در ایرانشهر بلکه در تمام بلوچستان زمزمه می‌شود، مربوط به قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی است. موضوع این اشعار درباره حماسه‌سازان بزرگ تاریخ بلوچستان میر چاکر و میر گوهرام رند است که بیشتر حماسی است. به تدریج در قرن‌های هجده و نوزده میلادی، اشعار مذهبی، توصیفی، رمان و صلح و دوستی رواج پیدا می‌کند تا اینکه سرانجام در قرن بیستم شعر مکتوب جایگزین اشعار شفاهی می‌شود. قادر بخش آبسالان، عید محمد شهلی بر، ناصر دامنی، عبدالحمید ایران‌نژاد و خدارحم شکل زهی از شاعران مشهور معاصر در ایرانشهر هستند که به دو زبان فارسی و بلوچی شعر سروده‌اند.

### ■ منابع

۴۱، ۷۷، ۸۹، ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۳۴، ۲۴۸، ۳۰۰، ۳۱۱، ۴۰۴، ۴۱۷، ۴۲۰، ۴۴۲، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۶۰، ۴۶۹، ۵۷۴، ۶۳۵، ۶۹۹، ۷۳۷، ۷۴۵، ۷۴۶، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۹، ۸۶۹، ۸۷۵.

### ■ موقعیت شهر

ایزدخواست از شهرهای استان فارس در ۵۲ درجه، ۷ دقیقه و ۴۱ ثانیه طول جغرافیایی و ۳۱ درجه، ۳۱ دقیقه و ۱۲ ثانیه عرض جغرافیایی در ارتفاع ۲۱۹۰ متری از سطح دریا قرار گرفته است و از شمال در فاصله ۶۰ کیلومتری شهرضا، از جنوب غربی در فاصله ۶۰ کیلومتری سمیرم، از جنوب شرقی در فاصله ۶۶ کیلومتری آباده و از شمال شرقی در فاصله ۶۰ کیلومتری رامشه قرار گرفته است. فاصله ایزدخواست تا شیراز ۳۳۳ کیلومتر و تا اصفهان ۱۴۴ کیلومتر می‌باشد. و مساحت تقریبی آن ۳۰۰۰ کیلومتر مربع است.

ایزدخواست در تاریخ ۱۳۷۸/۷/۷ براساس مصوبه وزارت کشور به شماره ۱۴۳۷۴/ت/۲۱۰۰۹ک به شهر تبدیل شده است.

### ■ طبیعت

آب و هوای ایزدخواست در چهار فصل سال متغیر است. زمستان آن از اوایل آذرماه تا اواخر اسفندماه است، سرد و با بارش برف و باران همراه است. میزان بارندگی آن سالانه حدود ۵۰۰ میلی‌متر و در کوه‌های جنوبی بیش از ۶۰۰ میلی‌متر است.

تابستان آن معتدل و خنک و به علت درصد کم رطوبت هوا، آفتاب آن درخشان و سوزنده و هوای آن تا حدودی خشک است. بادهای موسمی آن بادهای پائیزی برگ‌ریزان، بادهای چارچارچله بزرگ و کوچک، بادهای اسفند و فروردین ماه است

